اخبار

ترامپ:

در جنگ با ونزوئلا نیستیم

رئیس جمهور ایالات متحده مدعی شد که این کشور در جنگ با ونزوئلا نیست.
به گزارش ایلنا به نقل از تاس، «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا، در مصاحبه با «ان بی سی نیوز»، مدعی شد که آمریکا در جنگ با ونزوئلا نیست.
ترامپ گفت: «نه ما در جنگ نیستیم، ما در حال جنگ با فروشندگان مواد، با کسانی که زندان هایشان را با ارسال زندانیان به کشورمان و موسسات روانی‌شان را با ارسال معتادانشان به آمریکا خالی می‌کنند، هستیم».
وی تاکید کرد: «کاخ سفید باور دارد که انتخابات جدید در ونزوئلا در ۳۰ روز آتی برگزار نمی‌شود».

کوبا در آستانه بحرانی بی‌سابقه؛ بدون نفت و بدون متحد

کمبود نفت، ضعف اقتصادی و فقدان متحدان قدرتمند، کوبا را در وضعیتی شکننده قرار داده است و هر تحرک اقتصادی یا نظامی آمریکا می‌تواند ثبات این کشور را تهدید کند.
به گزارش ایلنا، کوبا خود را در آستانه یک بحران فراگیر یافته است. برای نخستین بار طی دهه‌ها، این کشور با کمبود نفت برای تامین انرژی و فقدان متحدانی که بتوانند حمایت واقعی ارائه کنند، مواجه است. بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، توسط نیروهای آمریکایی، ضربه‌ای تاریخی به هاوانا بود که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تجربه نشده است.
«اکونومیست» در گزارشی نوشته است: کوبا اکنون با فروپاشی تقریبی خدمات پایه‌ای روبه‌روست. قطعی‌های برق چند ساعته روزانه و نابودی بخش کشاورزی به دلیل کمبود تجهیزات و کود، مواد غذایی را کمیاب کرده است. نفتی که پیش‌تر توسط ونزوئلا تامین می‌شد، از بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۱ به حدود ۱۶ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ کاهش یافته است؛ یعنی کمتر از ۲۰ درصد نیاز کشور. حمایت بین‌المللی که کوبا پیش‌تر از آن برخوردار بود نیز محدود شده است. روسیه، با وجود قراردادها و سرمایه‌گذاری‌های اخیر، قادر به پر کردن کامل این خلا نیست و ایران و مکزیک نیز جایگزین مؤثری محسوب نمی‌شوند. این وضعیت جزیره را در برابر هرگونه فشار احتمالی آمریکا آسیب‌پذیر می‌کند و کوچک‌ترین تحرک نظامی یا اقتصادی می‌تواند تهدیدی جدی باشد.
در میان جامعه کوبایی در میامی، بازداشت مادورو امید تاریخی ایجاد کرده و نشان می‌دهد فشارهای آمریکا بر هاوانا ممکن است آشکارتر شود. با این حال، در عمل، تهدید فراتر از نیت دولت آمریکاست؛ ترکیبی از فروپاشی داخلی، ضعف اقتصادی بی‌سابقه و فقدان هرگونه متحد قوی، کوبا را در معرض بحران‌های سیاسی و اقتصادی جدی قرار داده که می‌تواند ثبات باقی‌مانده داخلی آن را به شدت تهدید کند.
کارشناسان تاکید می‌کنند که هاوانا امروز در بدترین وضعیت خود از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد؛ بدون نفت، بدون متحد و با آسیب‌پذیری شدید در برابر فشار خارجی، که پیامدهای سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت.

پاکستان و چین خواستار پاکسازی افغانستان از گروه‌های تروریستی شدند

پاکستان و چین در بیانیه مشترکی از کابل خواستند برای پاکسازی افغانستان از گروه‌های تروریستی اقدامات جدی‌تری انجام دهد.
به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی وزارت امور خارجه پاکستان، اسحاق دار وزیر خارجه این کشور و وانگ یی وزیر خارجه چین در پایان هفتمین دور گفت‌وگوهای راهبردی، بیانیه مشترکی را صادر کردند.
براساس این بیانیه، دو طرف آمادگی خود را برای ادامه بهره‌گیری از گفت‌وگوی سه‌جانبه وزرای امور خارجه چین ـ افغانستان ـ پاکستان و همچنین سازوکار همکاری چین ـ بنگلادش ـ پاکستان به‌منظور دستیابی به نتایج و دستاوردهای جدید اعلام کردند. دو طرف توافق کردند در خصوص مسئله افغانستان، ارتباط و هماهنگی نزدیک خود را حفظ کنند و با جامعه بین‌المللی همکاری داشته باشند تا کابل را به ایجاد یک چارچوب سیاسی فراگیر با تمرکز بر توسعه پایدار، حسن همجواری با همسایگان و ادغام در جامعه بین‌المللی تشویق کنند.
وزیران خارجه پاکستان و چین همچنین خواستار اقدامات ملموس‌تر و قابل راستی‌آزمایی برای برچیدن و نابودی تمامی سازمان‌های تروریستی مستقر در افغانستان شدند. این بیانیه تاکید کرد: کابل باید مانع استفاده سازمان‌های تروریستی از خاک افغانستان برای انجام اقدامات تروریستی و به خطر انداختن امنیت سایر کشورها شود.

صلح قطعی شماره :
تاریخ صلح نامه : ۱۳۵۷/۰۴/۰۳
فروشنده : آقای کامران احمدیان به شماره شناسنامه ۱۰۴۵ صادره از کن تهران
خریدار ۱: آقای علی اکبر جلیلی جو به شماره شناسنامه ۱۱۳۷ صادره از کرج
مورد معامله : یک قطعه زمین به مساحت ۵۰۰ متر مربع
آدرس دقیق ملک : شهر قدس، ۳۰متری شورا ،خیابان ساحل، کوچه اشکان،سمت راست ، جنب آخرین ساختمان
حدود اربعه
شمالا : ۲۷/۳۸ متر مرزیست به ملک مجاور
شرقا : ۲۰ متر به گذر موجود
جنوبا : ۲۵ متر مرزیست به ملک مجاور
غربا : ۱۹/۰۷ مرزیست به ملک مجاور
چنانچه افراد و اشخاصی نسبت به ملک فوق (قطعه زمین مذکور) ادعایی دارند . لازم است ظرف مدت یکماه به اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان قدس مراجعه وضمن اعلام کتبی ، نسبت به طرح دعوی و اخذ دستور موقت قضائی نیز اقدام نمایند.

چرا مأموریت روبیو از همه نقش‌های قبلی‌اش دشوار تر است؟

نایب‌السلطنه ونزوئلا

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، بیش از یک دهه برای تغییر رژیم در ونزوئلا فشار آورده است. اکنون بخش سخت ماجرا آغاز شده‌است. او در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ عناوین بسیاری داشته و شاید اکنون دشوارترین آن‌ها را به دست آورده باشد: نایب‌السلطنه ونزوئلا

مارکو روبیو پس از سال‌ها فشار برای تغییر رژیم در ونزوئلا، اکنون به چهره محوری سیاست آمریکا در این کشور آمریکای لاتین بدل شده است.
به گزارش اکوایران، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، بیش از یک دهه برای تغییر رژیم در ونزوئلا فشار آورده است. اکنون بخش سخت ماجرا آغاز شده‌است. او در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ عناوین بسیاری داشته و شاید اکنون دشوارترین آن‌ها را به دست آورده باشد: نایب‌السلطنه ونزوئلا. وزیر خارجه این کشور که هم‌زمان مشاور امنیت ملی و سرپرست بایگانی ملی است، نقش محوری در طراحی برکناری نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، در روز شنبه ایفا کرد. نبود جانشین فوری برای اداره کشوری با حدود ۲۹ میلیون نفر جمعیت، سبب شد تا ترامپ برای کمک به اداره ونزوئلا، تقسیم دارایی‌های نفتی آن و هموار کردن راه تشکیل دولتی جدید، بر روبیو تکیه کند؛ مأموریتی پرخطر و دلهره‌آور برای فردی که همین حالا هم مسئولیت‌های فراوانی بر دوش دارد. یک مقام ارشد آمریکایی با اشاره به انبوه تصمیم‌های سیاستی در حوزه‌های انرژی، انتخابات، تحریم‌ها و امنیت گفت: «کاری که پیش روی اوست، سرسام‌آور است.»
ونزوئلا دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان است، اما استخراج آن‌ها فرآیندی پر پیچ و خم خواهد بود.

روبیو مرد این روزهای سیاست خارجه آمریکا

به نوشته واشنگتن پست، این لحظه‌ی تحقق هدفی دیرینه برای روبیو است؛ کسی که بیش از یک دهه انتقادهای تندی از مادورو داشته و خواهان تغییر در ونزوئلا بوده است. کسانی که از نزدیک با روبیو کار کرده‌اند، می‌گویند مسائل منطقه برای او جنبه‌ای عمیقاً شخصی دارد چراکه والدینش پیش از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در سال ۱۹۵۹ از کوبا مهاجرت کردند. سزار کوندا، استراتژیست جمهوری‌خواه که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ رئیس دفتر روبیو بود، گفت: «تجربه والدین مارکو در وجود او نهادینه شده است»؛ مقام‌های آمریکایی می‌گویند که روبیو نقشی فراتر از معمول در هدایت سیاست آمریکا ایفا خواهد کرد، آن هم در حالی‌که دولت ترامپ می‌کوشد ونزوئلا را تثبیت کند.
به گفته یک مقام ارشد دیگر، تسلط روبیو به زبان اسپانیایی، آشنایی‌اش با رهبران آمریکای لاتین و اپوزیسیون ونزوئلا، او را به گزینه‌ای طبیعی برای ترامپ تبدیل کرده است. با این حال، این مقام آمریکایی تأکید کرد که با توجه به گستره عظیم تصمیمات و مسئولیت‌ها، دولت ناچار است فرستاده‌ای تمام‌وقت برای کمک به روبیو منصوب کند. ترامپ پس از عملیات ونزوئلا، در پاسخ به پرسش‌ها درباره اینکه آیا دولتش توان اداره این کشور آمریکای لاتین را دارد یا نه، مبهم سخن گفت و اظهار داشت افرادی که همین حالا پشت سر من ایستاده‌اند، این کار را برای مدتی انجام خواهند داد.

انجام عملیاتی که کسی باور نمی کرد!

رئیس‌جمهوری آمریکا از گفت‌وگوهای اولیه روبیو با دلسی رودریگز، معاون مادورو، تمجید کرد. ترامپ گفت: «او همین الان با او صحبت کرده و اساساً حاضر است کاری را انجام دهد که ما فکر می‌کنیم برای عظمت دوباره ونزوئلا لازم است»؛ اندکی بعد، رودریگز برنامه‌های ترامپ برای کشورش را رد کرد و گفت ونزوئلا هرگز دوباره مستعمره امپراتوری دیگری نخواهد شد. بازداشت مادورو نه‌تنها هدف دیرینه روبیو را محقق می‌کند، بلکه پیروزی بوروکراتیک او را نیز در دولتی رقم می‌زند که در آن بدبینان جدی تغییر رژیم به‌ویژه جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، حضور دارند.
جف رمزی، پژوهشگر ارشد شورای آتلانتیک، گفت: «بسیاری تردید داشتند که چنین عملیاتی بتواند بی‌نقص انجام شود. ترامپ این را موفقیتی قاطع برای راهبرد سیاست خارجی خود خواهد دید»؛ جاستین لوگان، مدیر مطالعات دفاعی و سیاست خارجی در مؤسسه کیتو، گفت اگرچه برکناری مادورو به‌تنهایی احتمالاً تبعیدیان سیاسی را راضی نمی‌کند، اما می‌تواند به دولت ترامپ کمک کند از باتلاقی شبیه عراق یا افغانستان که به جمهوری‌خواهان در انتخابات بعدی ضربه می‌زند، اجتناب کند. لوگان گفت: «تنها زمانی به یک مسئله بزرگ سیاسی تبدیل می‌شود که گسترده‌تر و پرهزینه‌تر شود. تا وقتی هزینه خون و سرمایه پایین بماند، تقریباً هر کاری می‌توانید بکنید.»

روبیو و تلاش برای جلب اعتماد در آمریکا

علاوه بر عبور از میدان مین ملت‌سازی که در پیش است، روبیو باید اعتماد قانون‌گذاران آمریکایی را نیز بازسازی کند؛ بسیاری از آنان او را متهم کرده‌اند که وقتی گفت دولت ترامپ پیش از اقدام نظامی علیه ونزوئلا از کنگره مجوز خواهد گرفت، به کنگره دروغ گفته است. سناتور اندی کیم از دموکرات های نیوجرسی اظهار داشت: «روبیو و پیت هگست، وزیر دفاع، هر سناتوری را چند هفته پیش می‌دیدند به او می‌گفتند مسئله در ونزوئلا تغییر رژیم نیست. آن زمان به آن‌ها اعتماد نکردم و حالا می‌بینیم آشکارا به کنگره دروغ گفتند.»
روبیو در گفت‌وگویی با واشنگتن‌پست، این اتهام را رد کرد و گفت تنها در صورتی وعده اخذ مجوز کنگره را داده بود که ایالات متحده قصد انجام حملات نظامی برای اهداف نظامی را داشته باشد. او با اشاره به کیفرخواست مادورو در دادگاه ناحیه جنوبی نیویورک به اتهام‌های مرتبط با مواد مخدر گفت: «این چنین نبود. این یک عملیات اجرای قانون بود».
وقتی از وزیر خارجه آمریکا پرسیده شد که بمباران ونزوئلا توسط نیروهای آمریکایی، بازداشت رهبر آن و ادعای اداره کشور، به‌طور گسترده به‌عنوان عملیات نظامی تفسیر خواهد شد، روبیو کوتاه نیامد و گفت: «مأموریت ونزوئلا در حمایت از وزارت دادگستری بود»؛ با این حال، این استدلال برخی کارشناسان را قانع نکرد. جنیفر کاونا، مدیر تحلیل‌های نظامی گفت: «توجیه اجرای قانون بهانه‌ای مناسب برای تصمیم دولت به عدم اطلاع‌رسانی به کنگره نیست. عملیات دستگیری مادورو بسیار عظیم و پیچیده بود. به نظر من شبیه یک عملیات اجرای قانون نمی‌آید.»

مسئله روبیو کوبا است!

پیش از پیوستن به وزارت خارجه، روبیو بارها نشان داده بود از استفاده نیروی نظامی آمریکا برای برکناری مادورو حمایت می‌کند؛ او در مصاحبه‌ای به زبان اسپانیایی در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت استدلال محکمی وجود دارد که ایالات متحده باید چنین کاری را انجام دهد. سال بعد، در اوج تنش‌های تازه با مادورو، روبیو عکس‌هایی از رهبران خارجی برکنار شده از جمله معمر قذافی در لیبی، اندکی پیش از کشته‌شدنش به دست شورشیان در سال ۲۰۱۱ را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. هرچند ترامپ در اوایل سال گذشته ایده گفت‌وگو با مادورو را بررسی کرده بود، از جمله مذاکراتی که اوایل دوره او با میانجی‌گری فرستاده‌اش ریچارد گرنل انجام شد و به آزادی چند شهروند بازداشت‌شده آمریکایی انجامید، افراد نزدیک به دولت ترامپ می‌گویند غرایز او عمدتاً با رویکرد سخت‌گیرانه روبیو هم‌راستا بوده است.
یک فرد نزدیک به دولت ترامپ که سال‌هاست روبیو را می‌شناسد معتقد است: «روبیو و رئیس‌جمهور ترامپ شانه‌به‌شانه کار می‌کنند و آن دو واقعاً این ماجرا را پیش می‌بردند». روبیو در یک کنفرانس خبری روز شنبه تلویحاً گفت کوبا هم می‌تواند با اقدام نظامی آمریکا مواجه شود. او در پاسخ به پرسش خبرنگاری اعلام کرد: «اگر من در هاوانا زندگی می‌کردم و در دولت بودم، دست‌کم کمی نگران می‌شدم.»
اگرچه مقامات پیشین و تحلیل‌گران انتظار اقدام نظامی فوری علیه کوبا را ندارند، احتمال می‌دهند با حذف مادورو از ونزوئلا، فشار اقتصادی بر این کشور افزایش یابد. کوین ویتاکر، سفیر پیشین آمریکا در کلمبیا در دولت اول ترامپ، بیان داشت: «تصور می‌کنم یکی از نخستین مطالبات ما از هر کسی که اکنون امور را در ونزوئلا در دست دارد این باشد که هرگونه حمایت از کوبا متوقف شود؛ با این منطق که این کار آن رژیم را بی‌ثبات می‌کند و به نتیجه بهتری می‌انجامد». اینکه اکنون دقیقاً چه کسی امور ونزوئلا را اداره می‌کند روشن نیست. برخی کارشناسان آمریکای لاتین گفتند ایالات متحده احتمالاً چالش اداره ونزوئلا با حضور محدود نیروهای آمریکایی را دست‌کم گرفته است.

ونزوئلا به سرنوشت عراق دچار می‌شود؟

با باقی گذاشتن دلسی رودریگز، معاون مادورو در قدرت، ترامپ می‌کوشد از وضعیتی مانند عراق پرهیز کند؛ جایی که پاکسازی تقریباً کامل دولت و ارتش فاجعه‌بار بود. یک دستیار پیشین سنا که همچنان با روبیو در تماس است، اعلام داشت که تصور نمی‌کند مقامات آمریکایی اشغال رسمی مانند آنچه پل برمر و سازمان موقت ائتلاف در عراق انجام دادند، در پیش بگیرند. او افزود: «ما به آن‌ها خواهیم گفت این کارهایی است که باید انجام دهید تا ضربه دیگری در کار نباشد. از نظر ترامپ این یعنی اداره کشور.»
جان فیلی، مقام ارشد پیشین وزارت خارجه و سفیر سابق آمریکا در پاناما که دهه‌ها روی آمریکای لاتین کار کرده، اظهار داشت که به نظر می‌رسد دولت در ابتدا امیدوار است نفوذ خود بر ونزوئلا را از طریق رودریگز اعمال کند؛ جان فیلی او را «کمونیستی ایدئولوژیک» توصیف کرد که «در قلب چاویسمو» قرار داشته است. فیلی گفت اگر رودریگز پشت صحنه در حال تعامل باشد، او در حال مذاکره با ترامپ برای نجات جان خود است و مشخص نیست تا چه حد می‌تواند بر سایر رهبران نظامی و سیاسی اثر بگذارد. او افزود: «امید دولت ترامپ این است که پس از دیدن رویدادهای امروز، همه فرماندهان نظامی ونزوئلا آن‌قدر بترسند که جز پیروی از دستورات دلسی کاری نکنند. اما بدون نیرو روی زمین، این فقط سر و صدا است.»

پیشروی نیروهای مورد حمایت عربستان در «حضرموت»

یمن درگیر جنگ چندقطبی

تحولات اخیر در حضرموت نشان می‌دهد که نیروهای مورد حمایت عربستان توانسته‌اند با پیشروی میدانی و بازپس‌گیری مواضع حیاتی، نقشه قدرت در شرق و جنوب یمن را تغییر دهند.
به گزارش مهر، اخیراً نیروهای مورد حمایت امارات در شرق یمن پیشروی‌هایی داشتند و کنترل برخی مناطق را به دست گرفتند. عربستان برای دفاع از نیروهای مورد حمایت خود وارد عمل شده و حملات به نیروهای مورد حمایت امارات داشت. تحولات اخیر در استان حضرموت در شرق یمن، نشان‌دهنده تغییر قابل توجه در نقشه کنترل و قدرت در این کشور جنگ‌زده است. نیروهای مورد حمایت عربستان با پیشروی موفق، کنترل مناطق استراتژیک از جمله فرودگاه بین‌المللی سیئون و مراکز حیاتی استان را به دست گرفتند. این پیشروی نه تنها تغییرات میدانی بلکه بازتعریف توازن قدرت در جنوب و شرق یمن را رقم زده است و پیامدهای آن فراتر از مرزهای حضرموت احساس می‌شود. استان وسیع و نفت خیز حضرموت اهمیت بالایی برای هر بازیگر داخلی و خارجی دارد و تسلط بر آن توان سیاسی و اقتصادی نیروهای عربستانی را افزایش می‌دهد.

پیشروی نیروهای مورد حمایت عربستان و بازپس‌گیری حضرموت

نیروهای مورد حمایت عربستان توانستند کنترل بخش عمده‌ای از استان حضرموت را به دست بگیرند و مواضع حیاتی از جمله فرودگاه بین‌المللی سیئون، مراکز نظامی و مالی را امن کنند. این اقدام پس از عقب‌نشینی نیروهای شورای انتقالی جنوب انجام شد که پیشتر بخش‌هایی از جنوب و مناطق نفت‌خیز حضرموت را در اختیار داشتند. بازپس‌گیری حضرموت برای نیروهای عربستانی به معنای تثبیت موقعیت میدانی و افزایش مشروعیت سیاسی و امنیتی در استان است و نشان می‌دهد که توانایی بازیابی مناطق کلیدی و تقویت نفوذ در شرق یمن وجود دارد.
پیشروی نیروهای عربستانی با هماهنگی نیروهای محلی حامی دولت به سرعت انجام شد و کنترل نقاط حساس را تضمین کرد. برنامه تأمین امنیت مناطق شهری و روستایی به طور همزمان اجرا شد تا مسیر برای بازگشت ثبات به استان فراهم شود. این اقدامات نشان می‌دهد که حضور نظامی عربستان در یمن هنوز از اهمیت عملی و نمادین بالایی برخوردار است و نیروهای محلی در کنار پشتیبانی هوایی و لجستیکی سعودی‌ها نقش مهمی در تثبیت کنترل ایفا کردند.

عقب‌نشینی شورای انتقالی جنوب و پیامدهای آن

شورای انتقالی جنوب که با حمایت امارات و برنامه استقلال‌طلبانه فعالیت می‌کند با عقب‌نشینی از حضرموت، بخش عمده‌ای از کنترل خود بر مناطق جنوبی و منابع حیاتی را از دست داد. این عقب‌نشینی نه تنها موجب کاهش نفوذ گروه در جنوب شد، بلکه شکاف‌های داخلی ائتلاف عربی و تضاد میان سیاست‌های امارات و عربستان در یمن را آشکار کرد. اختلافات موجود درباره آینده جنوب یمن باعث شده بود که شورای انتقالی جنوب قدرت عملیاتی قابل توجهی داشته باشد و اکنون این عقب‌نشینی، روند کنترل نیروهای عربستانی را تسهیل کرده است.
عقب‌نشینی این شورا فرصت‌های جدیدی برای نیروهای عربستانی ایجاد کرده است تا حضور خود را در مناطق استراتژیک تقویت کنند و کنترل بنادر، فرودگاه‌ها و خطوط مواصلاتی را تثبیت کنند.

اهمیت استراتژیک حضرموت

استان حضرموت به دلیل وسعت، منابع نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی خود اهمیت ویژه‌ای دارد. این استان از مرز عربستان تا دریای عمان امتداد دارد و کنترل آن به معنای دسترسی به منابع اقتصادی و مسیرهای تجاری حیاتی است. پیشروی نیروهای عربستانی در این استان موجب تقویت توان سیاسی و امنیتی آنها و ارسال پیامی روشن به به امارات و شورای انتقالی جنوب است.

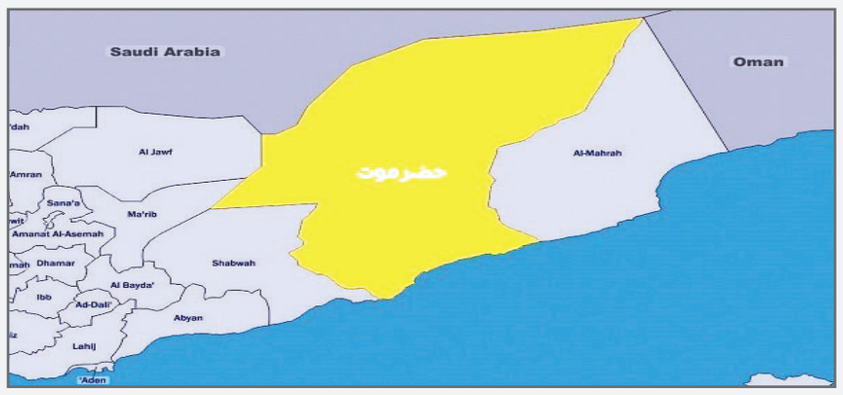

تسلط بر حضرموت همچنین امکان دسترسی به منابع مالی و انرژی را فراهم می‌کند و بر روند تأمین امنیت و ثبات اقتصادی مناطق جنوبی و شرقی یمن تأثیر می‌گذارد. این کنترل به نیروهای عربستانی اجازه می‌دهد تا فشار و نفوذ خود را بر مناطق مجاور و مسیرهای مواصلاتی اصلی کشور گسترش دهند و از این طریق نقشه قدرت را در جنوب یمن به نفع خود تغییر دهند.

مناطق تحت کنترل هر گروه در یمن

هم‌اکنون یمن تحت تسلط سه بازیگر اصلی است: نیروهای مورد حمایت عربستان، انصارالله و شورای انتقالی جنوب. نیروهای عربستانی کنترل بخش وسیعی از حضرموت، تعز، مأرب و مناطق محدودتری از الجوف، صعدة و حجه را در اختیار دارند. انصارالله بر صنعاء، عمران، إب، البیضاء، ریمة، المحویت و بخش‌های وسیعی از صعدة، حجه، الحدیدة و الجوف تسلط دارند. شورای انتقالی جنوب بخش‌های عدن، شبوه، أبین، سقطری و المهرة و مناطق محدودی از الضالع، لحج و حضرموت را کنترل می‌کند. این توزیع قدرت نشان می‌دهد که با وجود پیشروی‌ها در حضرموت، یمن هنوز کشور چندقطبی و جنگ‌زده‌ای است که هیچ بازیگری به طور کامل قادر به کنترل کل کشور نیست. هر تغییر در یکی از استان‌ها، معادلات سیاسی و امنیتی سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه

تحولات اخیر در حضرموت نشان می‌دهد که نیروهای مورد حمایت عربستان توانسته‌اند با پیشروی میدانی و بازپس‌گیری مواضع حیاتی، نقشه قدرت در شرق و جنوب یمن را تغییر دهند. این پیشروی علاوه بر پیامدهای نظامی، پیامدهای سیاسی و اقتصادی نیز دارد و مشروعیت نیروهای عربستانی و متحدانشان را تقویت کرده است. با این حال، یمن همچنان درگیر جنگ چندقطبی است و دستیابی به ثبات کامل مستلزم راهکارهای سیاسی جامع و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی است. بازپس‌گیری حضرموت نشان می‌دهد که کنترل مناطق استراتژیک و منابع اقتصادی می‌تواند معادلات قدرت را در جنوب یمن به نفع نیروهای عربستانی تغییر دهد و فشار بر رقبای داخلی و خارجی را افزایش دهد.